روایت

۲بانوی ایرانی تاثیرگذار در تاریخ کوتاه پاکستان

حسین ابراهیم‌خانی
دیپلمات

● اسکندرمیرزا اولین رئیس‌جمهور پاکستان ازجمله رجال برجسته شبه‌قاره هند است که سابقه وصلت با ایرانیان را در شرح‌حال خود دارد. او در خاندان شیعه‌مذهب و متمول نوابی‌کلان متولد شد و ماند. دیگر اشراف شبه‌قاره، به زبان پارسی تکلم می‌کرد. نخستین ازدواج او در سال ۱۹۲۲ با بانویی ایرانی نام رفعت شیرازی، از خانواده سرشناس ایرانی مقیم بنگال انجام شد و دو فرزند پسر و شش دختر حاصل این وصلت بود.

با استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، اسکندرمیرزا عهده‌دار سمت مهم قائم‌مقام وزارت دفاع شد. در ماه دسامبر سال ۱۹۵۱ و در مراسم جشن سفارت شوروی، اسکندرمیرزا با واسته نظامی ایران آشنا شد و همین آشنایی موجب تعلق خاطر او به ناهید کلانی، همسر سرهنگ امیرموسگک افخمی، واسته نظامی ایران شد. ناهید امیرتیموری‌کلانی دختر ارشد محمدابراهیم امیرتیموری‌کلانی ملقب به «بدر» نصرت، زمین‌دار مشهور خراسان، عضو جبهه ملی و ساابقه چندین دوره نمایندگی مجلس و وزارت در دولت دکتر مصدق بود. در فعل‌وانفعالاتی مکتوم و برگرفته از ترجیحات سیاسی که ظاهرا دربار پهلوی نیز در آن دخیل بود، مقدمات جدایی احتمالا مصلحت‌آمیز ناهید کلانی و خاتمه ماموریت سرهنگ افخمی در پاکستان فراهم شد. ناهید کلانی به همراه صفیه، تنها فرزند خود، در پاکستان باقی ماند و وصلت غیررسمی او با اسکندرمیرزا تا نیمه‌شب روز اول دسامبر سال ۱۹۵۴ ادامه یافت.

در سال ۱۹۵۵ اسکندرمیرزا در جایگاه قائم‌مقام فرمانده‌کل و وزیر داخله، فرماندار کل یا برکنار کرد و یا رای نمایندگان مجلس جانشین وی شد. سال بعد جمهوری اسلامی پاکستان تاسیس شد و نمایندگان مجلس اسکندرمیرزا را به‌عنوان اولین رئیس‌جمهوری پاکستان انتخاب کردند و در مراسم تحلیف، ناهید کلانی به‌عنوان نخستین بانوی اول پاکستان در کنار اسکندرمیرزا حضور داشت. در خلال ۱۸ ماه ریاست‌جمهوری اسکندرمیرزا، ناهید کلانی در مجالس رسمی و سفرهای خارجی او را همراهی می‌کرد و حضوری برنک در مراسم داخلی و فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه داشت و از

ناهید کلانی

اشتهار و محبوبیت در بین مردم پاکستان برخوردار بود. دوران کوتاه ریاست‌جمهوری اسکندرمیرزا با بحران و بی‌ثباتی همراه بود. او به قصد تحکیم موقعیت و با تصمیمی اشتباه که خود به آن اذعان کرد، ژنرال ایوب‌خان را به سمت رئیس دولت کودتاچی منصوب کرد. اختلافات اسکندرمیرزا با ایوب‌خان تنها در چند هفته به اوج خود رسید و در ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۸ عوامل ایوب‌خان با هجوم شبانه به کاخ ریاست‌جمهوری، اسکندرمیرزا و همسرش را بازداشت و به یک پایگاه نظامی منتقل کردند. اسکندرمیرزا تحت فشار ارتش از ریاست‌جمهوری استعفا داد و به همراه ناهید کلانی به بریتانیا تبعید شد. ایوب‌خان اسلام‌آباد و دارایی اسکندرمیرزا در پاکستان شرقی را مصادره کرد و موجب شد او تحت شرایطی سخت با دیگردن یک رستوران پاکستانی در لندن و همچنین دریافت مستمری بازنشستگی و مساعدت دربار پهلوی گذران عمر کند. اسکندرمیرزا پس از ۱۰ سال زندگی در تبعید در ۱۳ نوامبر ۱۹۶۹ بر اثر نارسایی قلبی در لندن درگذشت. بخی‌خان، رئیس‌جمهور جدید به‌رغم وصیت مقبولی دایر بر خاکسپاری در زادگاه خود و همچنین ساخت آرامگاه یادبود برای اسکندرمیرزا تا نیمه‌شب روز اول دسامبر سال ۱۹۶۹ در پاکستان باقی ماند. ناهید کلانی به همراه صفیه، تنها فرزند خود، در پاکستان باقی ماند و وصلت غیررسمی او با اسکندرمیرزا تا نیمه‌شب روز اول دسامبر سال ۱۹۶۹ ادامه یافت.

در سال ۱۹۵۵ اسکندرمیرزا در جایگاه قائم‌مقام فرمانده‌کل و وزیر داخله، فرماندار کل یا برکنار کرد و یا رای نمایندگان مجلس جانشین وی شد. سال بعد جمهوری اسلامی پاکستان تاسیس شد و نمایندگان مجلس اسکندرمیرزا را به‌عنوان اولین رئیس‌جمهوری پاکستان انتخاب کردند و در مراسم تحلیف، ناهید کلانی به‌عنوان نخستین بانوی اول پاکستان در کنار اسکندرمیرزا حضور داشت. در خلال ۱۸ ماه ریاست‌جمهوری اسکندرمیرزا، ناهید کلانی در مجالس رسمی و سفرهای خارجی او را همراهی می‌کرد و حضوری برنک در مراسم داخلی و فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه داشت و از

ناهید کلانی

اشتهار و محبوبیت در بین مردم پاکستان برخوردار بود. دوران کوتاه ریاست‌جمهوری اسکندرمیرزا با بحران و بی‌ثباتی همراه بود. او به قصد تحکیم موقعیت و با تصمیمی اشتباه که خود به آن اذعان کرد، ژنرال ایوب‌خان را به سمت رئیس دولت کودتاچی منصوب کرد. اختلافات اسکندرمیرزا با ایوب‌خان تنها در چند هفته به اوج خود رسید و در ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۸ عوامل ایوب‌خان با هجوم شبانه به کاخ ریاست‌جمهوری، اسکندرمیرزا و همسرش را بازداشت و به یک پایگاه نظامی منتقل کردند. اسکندرمیرزا تحت فشار ارتش از ریاست‌جمهوری استعفا داد و به همراه ناهید کلانی به بریتانیا تبعید شد. ایوب‌خان اسلام‌آباد و دارایی اسکندرمیرزا در پاکستان شرقی را مصادره کرد و موجب شد او تحت شرایطی سخت با دیگردن یک رستوران پاکستانی در لندن و همچنین دریافت مستمری بازنشستگی و مساعدت دربار پهلوی گذران عمر کند. اسکندرمیرزا پس از ۱۰ سال زندگی در تبعید در ۱۳ نوامبر ۱۹۶۹ بر اثر نارسایی قلبی در لندن درگذشت. بخی‌خان، رئیس‌جمهور جدید به‌رغم وصیت مقبولی دایر بر خاکسپاری در زادگاه خود و همچنین ساخت آرامگاه یادبود برای اسکندرمیرزا تا نیمه‌شب روز اول دسامبر سال ۱۹۶۹ در پاکستان باقی ماند. ناهید کلانی به همراه صفیه، تنها فرزند خود، در پاکستان باقی ماند و وصلت غیررسمی او با اسکندرمیرزا تا نیمه‌شب روز اول دسامبر سال ۱۹۶۹ ادامه یافت.

بهرام امیراحمدیان، کارشناس مسائل روسیه و قفقاز:

«نگاه به شرق» تهمت است

باید تک‌صدایی در سیاست خارجی داشته باشیم

کفته می‌شود سیاست خارجی ایران به‌طورکلی و در سال‌های اخیر به‌طور خاص به رابطه با شرق و کشورهای شرقی، چون و روسیه منحصر شده است. شما نگاهتان به قضاوتی که می‌گویند «نگاه به شرق» را در پیش گرفته‌ایم، چیست؟

سیاست خارجی به معنی چیست؟ به معنی تدوین سازوکار یا دستورالعملی است که یک کشور بر اساس آن چگونگی تعامل و روابط با محیط بیرون و در چارچوب روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل ارتباط برقرار می‌کند. روابط هم می‌تواند بر اساس منافع اقتصادی و در مراحل بعدی سیاسی یا فرهنگی باشد. ولی اینکه کشوری می‌خواهد با محیط برامونی خود رابطه برقرار کند، این رابطه دوسویه است. یعنی چیزی برای ارائه داشته باشد و نیازی برای گرفتن یا دادوستد. همان‌طور که تضیقاتی که از سوی غرب به این مبادلات فرهنگی باشد و مثلا دوکشور از یک خانواده زبانی باشند، سیاسی باشد یا نظامی، بنابراین هر کشور بر این مبنا سیاست خارجی خود را تدوین می‌کند و براساس این چگونگی روابط با هر کشوری تدوین می‌شود. ایران در دوره پیش از انقلاب روابط خیلی نزدیکی با غرب داشت. بعد از اینکه انقلاب پیروز می‌شود، بنابر ایدئولوژی انقلاب، رابطه با غرب به هم می‌خورد. چون که تضیقاتی که از سوی غرب به این سیاست منتی بوده بر رابطه نزدیک با غرب و اندکی با شرق و شیر در آن دوران دوقطبی بوده و سیستم و نظایر آن روابطی برقرار بوده است. در این دوره ایران در یک منطقه‌ای واقع شده بود که پیرامون بود. بنابراین در آن دوره ساختاری به‌نام عدم‌تعهد ما مطرح بوده است که نه به بلوک غرب و نه بلوک شرق وابسته نبودیم. بعد از انقلاب، ایران علاقه‌مند است که در چنین غیرمتعهد باشد. ولی در اینجا هم کرایش‌ها به سمت روابط با کشورهایی است که در یک فضای احترام متقابل قرار دارند و دیگر اینکه روابط حسنه و دوسویه است و روابط به شکل قبلی یک کشور قدرتمند و یک کشور ضعیف نیست. هرکس این الویا می‌بدیرد، ایران از برقراری روابط استقبال می‌کند. اینکه می‌گویند «نه شرقی نه غربی»، برخی برداشتشان این است که به شرق وابسته و سستو و نظایر آن روابطی برقرار بوده است. در این دوره ایران در یک منطقه‌ای واقع شده بود که پیرامون بود. بنابراین در آن دوره ساختاری به‌نام عدم‌تعهد ما مطرح بوده است که نه به بلوک غرب و نه بلوک شرق وابسته نبودیم. بعد از انقلاب، ایران علاقه‌مند است که در چنین غیرمتعهد باشد. ولی در اینجا هم کرایش‌ها به سمت روابط با کشورهایی است که در یک فضای احترام متقابل قرار دارند و دیگر اینکه روابط حسنه و دوسویه است و روابط به شکل قبلی یک کشور قدرتمند و یک کشور ضعیف نیست. هرکس این الویا می‌بدیرد، ایران از برقراری روابط استقبال می‌کند. اینکه می‌گویند «نه شرقی نه غربی»، برخی برداشتشان این است که به شرق وابسته و سستو نظایر آن روابطی برقرار بوده است. در این دوره ایران در یک منطقه‌ای واقع شده بود که پیرامون بود. بنابراین در آن دوره ساختاری به‌نام عدم‌تعهد ما مطرح بوده است که نه به بلوک غرب و نه بلوک شرق وابسته نبودیم. بعد از انقلاب، ایران علاقه‌مند است که در چنین غیرمتعهد باشد. ولی در اینجا هم کرایش‌ها به سمت روابط با کشورهایی است که در یک فضای احترام متقابل قرار دارند و دیگر اینکه روابط حسنه و دوسویه است و روابط به شکل قبلی یک کشور قدرتمند و یک کشور ضعیف نیست. هرکس این الویا می‌بدیرد، ایران از برقراری روابط استقبال می‌کند. اینکه می‌گویند «نه شرقی نه غربی»، برخی خب سی با کجا رابطه برقرار کند؟ یک نفت صادراتی این را به کدام کشور بفروشد؟ با چه کسی بفروشد؟ با چه کسی بفروشد؟ با چه کسی